

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

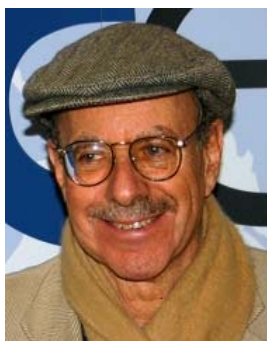
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۰۸ فیبروری ۲۰۱۹



جیمز پتراس

ویژگی های امپریالیسم امریکا در امریکای لاتین

مقدمه:

اگر امپریالیسم را به عنوان یک پدیده عمومی بنگریم، شیوه عملیاتی آنرا در هر زمینه خاص و مهم نمی بینیم. در حالی که تمرین قدرت امپریالیستی یک ستراتیژی معمولی است، اما انگیزه ها، ابزارها، اهداف و تعهداتش، بسته به ماهیت حاکم امپریالیستی و کشور هدف واقع شده متفاوت است. ونزوئلا، هدف کنونی ترمپ، رئیس جمهور امریکاست. موردی که «ویژگی های» سیاست های امپریالیستی را به تصویر می کشد. ما پیشینه، تکنیک ها و تأثیر تصرف قدرت امپریالیستی را بررسی می کنیم.

پیشینه تاریخی

امریکا سابقه طولانی مداخله در ونزوئلا و در درجه اول جهت کسب کنترل ثروت نفت این کشور دارد. در سال های ۱۹۵۰ واشنگتن از دیکتاتوری نظامی به رهبری پرز خیمز حمایت کرد تا این که او توسط اتحاد احزاب توده نی سوسیالیست های انقلابی، ملی گراها و سوسیال دمکرات سرنگون شد. واشنگتن نتوانست مداخله کند و نکرد؛ در عوض، با احزاب سنتر- دمکرات چپ (ای دی)، و سنتر- راست (سی ای پی ایی) همراه شد که حاضر به مبارزه

علیه چپ‌های رادیکال بودند. با گذشت زمان امریکا هژمونی خود را دوباره به دست آورد تا وقتی که در سال‌های ۱۹۹۰ اقتصاد به بحران رفت و منجر به قیام‌های مردمی و قتل‌های عام دولتی شد. امریکا در ابتداء مداخله نکرد، بدین‌جهت که احساس کرد می‌تواند با هوگو چاوز که وابسته به چپ نبود، همکاری کند. به علاوه، امریکا از نظر نظامی در بالکان (یوگسلاوی) و خاورمیانه درگیر بود و برای جنگ‌هایی علیه عراق و کشورهای ملی‌گرای دیگری آماده می‌شد که مخالف اسرائیل و حامی فلسطین بودند. واشنگتن با استفاده از بهانه تهدید تروریسم جهانی، خواهان تبعیت از اعلام «جنگ علیه تروریسم» خود در سراسر جهان شد.

رئیس‌جمهور چاوز تسلیم واشنگتن نشد. او اعلام کرد که «شما با تروریسم علیه تروریسم نمی‌جنگید». امریکا تصمیم گرفت که اعلام استقلال چاوز تهدیدی به هژمونی امریکا در امریکای لاتین و فراتر از آن است. واشنگتن حتی پیش از این‌که چاوز صنعت نفت (متعلق به) امریکا را ملی کند، تصمیم به سرنگونی چاوز رئیس‌جمهور منتخب گرفته بود. امریکا در اپریل سال ۲۰۰۲، یک کودتای نظامی - تجاری را سازمان‌دهی کرد، که در مدت ۴۸ ساعت توسط قیام مردمی و با حمایت بخشی‌هایی از ارتش شکست خورد. دومین تلاش جهت سرنگونی رئیس‌جمهور چاوز توسط هیأت مدیران نفتی و از طریق بستن درب‌های ورودی کارگران به شرکت نفت تنظیم شد. این تلاش هم توسط کارگران نفت و صادرکنندگان نفت خارج کشور با شکست روبه‌رو گشت. انقلاب ملی - پوپولیست چاوز، کورپورات‌ها (شرکت‌های بزرگ) نفتی را که شرکت‌ها را بسته و از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری کرده بودند، ملی کرد. شکست کودتاها منجر به این شد که واشنگتن به طور موقت ستراتیژی انتخاباتی را اتخاذ کند که از طریق بنیادها و شرکت‌های غیردولتی (ان‌جی‌ا‌های) کنترل شده توسط واشنگتن، بشدت تأمین مالی می‌شدند. شکست‌های مکرر انتخاباتی منجر به این گشت که واشنگتن انتخابات را تحریم کند و کمپین‌های تبلیغاتی طراحی کند که موفقیت انتخاباتی رئیس‌جمهور چاوز را غیرقانونی جلوه دهد.

تلاش‌های شکست خورده واشنگتن جهت بازگرداندن قدرت امپریالیستی، بومرنگ شد. چاوز حمایت انتخاباتی خود را افزایش داد، کنترل دولت را بر نفت و دیگر منابع گسترش داد و پایگاه مردمی خودش را رادیکالیزه کرد. به علاوه، چاوز سیاست‌های ضدامپریالیستی خود را در میان دولت و جنبش‌های سراسر امریکای لاتین تأمین نمود و با ارائه یارانه نفت، نفوذ و روابط خود را در سراسر کارائیب افزایش داد.

درحالی‌که منتقدان حمایت توده‌ئی و نفوذ و محبوبیت را به چاوز نسبت می‌دادند، اما شرایط عینی ویژه امریکای لاتین تعیین کننده بود. دلایل شکست مداخله امپریالیسم توسط رئیس‌جمهور چاوز را می‌توان به پنج هدف و شرط زیر نسبت داد:

۱- همزمان درگیر بودن عمیق امریکا در چندین جنگ طولانی مدت - از جمله در خاورمیانه، جنوب آسیا و شمال آفریقا که حواس واشنگتن را پرت کرده بود. به اضافه، تعهدات نظامی امریکا نسبت به اسرائیل، تلاش‌های امریکا جهت تمرکز دوباره بر ونزوئلا را تضعیف کرده بود.

۲- سیاست تحریم امریکا در طول رونق کالائی بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ صورت گرفت - که منابع اقتصادی جهت تأمین مالی برنامه‌های اجتماعی داخلی به ونزوئلا ارائه داد و بایکوت‌های محلی متحدان نخبه امریکا را خنثی ساخت.

۳- ونزوئلا از بحران‌های نئولیبرالی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۱ که منجر به ظهور دولت‌های محبوب ملی سنتر-چپ در سرتاسر منطقه شد، بهره‌مند شد. این به ویژه در مورد ارجنتاین، برزیل، بولیوی و هندوراس صدق می‌کرد. به علاوه،

«رژیم‌های سنتریست» در پرو و چیلی بی‌طرف باقی‌ماندند. وانگهی ونزویلا و متحدانش اطمینان حاصل کردند که امریکا سازمان منطقه‌ئی را کنترل نکند.

۴- رئیس جمهور چاوز به عنوان یک افسر نظامی سابق، وفاداری ارتش را تضمین کرد و توطئه‌های امریکا جهت سازمان‌دهی کودتاها را از ریشه برانداخت.

۵- بحران‌های مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ امریکا را مجبور ساخت که چندین تریلیون دالر جهت کمک مالی به بانک‌ها هزینه کند. بحران‌های اقتصادی و بهبود جزئی دست‌خزانه داری ونزویلا را تقویت کرد و نفوذ نسبی پنتاگون را تضعیف نمود.

به عبارت دیگر، در حالی‌که سیاست‌های امپریالیستی و اهداف استراتژیک باقی‌مانده بود، ظرفیت امریکا جهت پی‌گیری پیروزی با شرایط عینی محدود بودند.

شرایطی که به نفع مداخلات امپریالیستی است

در زمان‌های اخیر شرایط وارونه‌گشته و به نفع امپریالیسم است. این شرایط عبارتند از:

۱- پایان رونق کالا، اقتصاد متحدان سنتر- چپ ونزویلا را تضعیف کرد و منجر به ظهور رژیم‌های راست افراطی دست‌نشانده گوش به فرمان امریکا شد و همچنین فعالیت‌های کودتائی مخالفان مورد حمایت امریکا علیه رئیس جمهور تازه منتخب مادورو افزایش گشته است.

۲- عدم متنوع ساختن صادرات، بازارها، سیستم‌های مالی و توزیع در طول دوران متمایل به توسعه، منجر به کاهش در مصرف و تولید شد و به امپریالیسم اجازه داد که رأی دهندگان، به ویژه مصرف‌کنندگان طبقه متوسط و پائین تر، کارمندان، دکان‌داران، متخصصان و افراد کسب و کار (بیزنس) را جذب کند.

۳- پنتاگون تمرکز نظامی خود را از خاورمیانه به امریکای لاتین تغییر داد، دست‌نشانندگان سیاسی و نظامی را در میان رژیم‌های کلیدی - از جمله برزیل، آرژنتاین، اکوادور، پرو و چیلی تشخیص داد.

۴- مداخله سیاسی واشنگتن در روند انتخاباتی امریکای لاتین، راه را برای استثمار اقتصادی و منابع و استخدام متحدان نظامی باز کرد تا ونزویلائی پوپولیست، و ملی‌گرا را منزوی و محاصره کند.

شرایط اهداف خارجی به نفع تحقق امیال امپریالیستی واشنگتن جهت سلطه است. موقعیت قدرت الیگارش‌ی داخلی پویائی جهت مداخله، سلطه سیاسی و کنترل بر صنعت نفت را تقویت کرد.

کاهش درآمدهای نفتی ونزویلا، بسیج پایگاه‌نخبگان انتخاباتی و خراب‌کاری سیستماتیک در تولید و توزیع اثر چندگانه ای برجای گذاشت. رسانه‌های جمعی، رئیس جمهور خودخوانده راست‌گرای انتخاباتی کودتای راست افراطی به رهبری امریکا را در آغوش گرفتند که از شعارهای بشردوستانه و دمکراتیک با استادی بهره‌برداری کرد.

واشنگتن تحریم‌های اقتصادی را تشدید کرد که هواداران کم‌درآمد چاوزیستائی را گرسنگی دهد، و در حالی‌که یک کودتای نظامی خونین را طراحی می‌کرد، دست‌نشانندگان اروپائی و لاتین امریکائی خودش را بسیج کرد تا خواهان به زانو درآوردن ونزویلا شوند.

آخرین مرحله کودتای نظامی طراحی و سازمان‌دهی شده امریکا نیازمند سه شرط بود:

۱- تفرقه در ارتش که به پنتاگون و طراحان کودتا یک «موقعیت دفاعی ثابت» ارائه دهد و جهت حمله «بشردوستانه» امریکا بهانه ای فراهم گردد.

۲- یک رهبری سیاسی «سازش‌کار» که به دنبال مذاکرات سیاسی با مخالفانی باشد که آماده جنگ هستند.

۳ - تمام حساب‌های خارج از کشور مسدود و کلیه وام‌ها و بازارهای را ببندد که ونزوئلا همچنان وابسته به آن‌ها است.

نتیجه‌گیری

امپریالیسم نمودی اصلی از سرمایه‌داری جهانی امریکاست. اما نمی‌تواند اهداف و اعمال خود را در هر زمان و هرگونه که مایل است، به پایان برساند. تغییرات جهانی و رژیم‌ها در همبستگی نیروها می‌تواند موفقیت امپریالیستی را خنثی و به تأخیر بیندازد.

کودتاها را می‌توان به شکست کشاند و آن‌ها را به اصلاحات رادیکال تغییر داد. بلندپروازی‌های امپریالیستی را می‌توان با سیاست‌های اقتصادی موفقیت‌آمیز و متحدان ستراتیژیک تلافی کرد و پاسخ داد.

امریکای لاتین تجربه کودتاهای امپریالیستی و مداخلات نظامی را دارد. اما همچنین قادر به ایجاد متحدان منطقه‌ای، طبقاتی و بین‌المللی است.

خلاف مناطق دیگر و اهداف امپریالیستی، امریکای لاتین، کشش به مبارزات طبقاتی و ضدامپریالیستی دارد. چرخه‌های اقتصادی همراه ظهور و سقوط طبقات است و در نتیجه قدرت امپریالیستی پیش‌رفت و پس‌رفت می‌کند.

مداخله امریکا در ونزوئلا طولانی‌ترین جنگ قرن ما - (۱۸ سال) است - که از جنگ‌های امریکا در افغانستان و عراق فراتر رفته است. این درگیری نشان می‌دهد که چگونه متحدان امریکا بر دست‌نشانندگان منطقه‌ای و خارج از کشور متکی هستند که جهت ربودن قدرت امپریالیستی پوشش ارائه می‌دهند.

درحالی‌که کودتاها تکرار می‌شوند، اما پیامدهای آن‌ها زودگذر است. دست‌نشانندگان ضعیف و رژیم‌ها در معرض قیام‌های مردمی قرار دارند.

کودتاهای امریکا علیه رژیم‌های مردمی منجر به قتل عام خونین می‌شوند که درازمدت و در مقیاس بزرگ موفق به تثبیت نمی‌شوند.

اینها «ویژگی‌های» کودتاهای امریکای لاتین هستند.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه‌شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است.

برگرداننده شده از:

Peculiarities of US Imperialism in Latin America

By: James Petras

<https://petras.lahaine.org/peculiarities-of-us-imperialism-in-latin/>

<https://petras.lahaine.org/b2-img/PetrasUSImperialism.pdf>